

Strategies for the Protection of Indigenous Technologists (Human Living Treasures)

Case Study: Kerman

Farideh Majidi Khameneh * Assistant Professor of Anthropology, Institute of Anthropology, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

Accepted: 21/1/2023

Abstract

The importance of Indigenous Technologists as bearers of intangible cultural heritage and its protection is widely recognized by the international community. Optimal protection of them, as a guarantee of continued development of knowledge and skills and their transmission to younger generations is one of the major concerns of UNESCO and the Cultural Heritage Foundation. This study seeks to determine the problem of strategies for the protection and preservation of bearers of cultural heritage and using the experiences of other countries to compare the problem proposed in Iran. The case study was conducted in Kerman and it was about the Indigenous Technologists of this city by purposeful sampling and by using ethnographic study and interview techniques, their interpretation and extraction of sub-main and main themes. The results of this study indicate the important issue of protection of the old bearers of cultural heritage which is considered as a serious threat to the loss of indigenous knowledge treasures due to the growing trend of aging and related issues. The issue of protection should be created with the cooperation of various institutions and cultural heritage, and threats must be turned into opportunities.

Review: 22/11/2022

Received: 10/3/2022

ISSN: 2345-6019

Keywords: Living Human Treasures, Bearers of Cultural Heritage, Indigenous Technologists, Conservation Strategies, The elderly


* Corresponding Author: f_madjidi@yahoo.com

How to Cite: Majidi Khameneh, F. (2022). Conservation Strategies for masters of art (Human Living Treasures) Case Study: Kerman, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 8(16), 175-215.

eISSN: 2538-2543

راهبردهای حفاظت از فن‌آوران بومی (گنجینه‌های زنده بشری)

مطالعه موردی: کرمان

فریده مجیدی خامنه*  استادیار پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

چکیده

اهمیت فن‌آوران بومی کهنسال به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی ناملموس و پاسداری از آن به‌طور گسترده‌ای از طرف جامعه جهانی شناخته شده است. حفاظت بهینه از ایشان، به‌عنوان تضمین ادامه توسعه دانش و مهارت و انتقال آنها به نسل‌های جوان‌تر از دغدغه‌های مهم امروزی یونسکو و نهاد میراث فرهنگی می‌باشد. این پژوهش به دنبال طرح مسئله تعیین راهبردهای حفاظت و پاسداری از حاملان میراث فرهنگی بوده و با استفاده از تجارب کشورهای دیگر، به مقایسه مسئله طرح‌شده در ایران پرداخته است. مطالعه موردی در شهر کرمان و در خصوص فن‌آوران این شهر با نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از مطالعه مردم‌نگارانه و بهره‌گیری از تکنیک‌های مصاحبه عمیق با ۱۵ مشارکت‌کننده (حاملان میراث فرهنگی یا گنجینه‌های زنده بشری کرمان؛ مدیران میراث فرهنگی)، تفسیر آنها و استخراج درون‌مایه‌های فرعی و اصلی انجام پذیرفته است. آنچه از این مطالعه به دست آمد، مؤید این مسئله مهم است که در ایران مسئله حفاظت از حاملان کهنسال میراث فرهنگی با توجه به روند رو به رشد سالمندی و مسائل مترتب بر آن که تهدیدی جدی برای از دست رفتن گنجینه‌های دانش بومی محسوب می‌گردد باید با همکاری نهادهای گوناگون و میراث فرهنگی پیگیری و راهبردهای مؤثر اتخاذ گشته و تهدیدها به فرصت بدل شوند.

کلید واژه‌ها: گنجینه‌های زنده بشری، حاملان میراث فرهنگی، فن‌آوران بومی، راهبردهای

حفاظت، سالمندان

مقدمه

سالمندان منابع زنده و نیرویی پویا هستند که به‌عنوان گنجینه‌های بشری، گذشته را به حال پیوند داده و به‌شرط بارور شدن، این نیروهای لایزال می‌توانند به‌عنوان حاملان میراثی گران‌بها، رسالت مهم انتقال دانش‌های بومی به نسل‌های آینده را به انجام برسانند. افراد کهنسالی که به‌عنوان استادکاران و دانشوران بومی از دوران گذشته تا به امروز هنوز زیست دارند و با حیات خود هنر، فرهنگ و دانش‌های سنتی را با خود حمل و به نسل بعدی منتقل می‌کنند، در حقیقت حاملان میراث ناملموس‌اند که میراث زنده بشری محسوب می‌گردد. شناسایی و ثبت این اساتید در فهرست گنجینه‌های زنده بشری ملی و جهانی از موضوع‌های بسیار مهم یونسکو و کنوانسیون‌های متعدد این سازمان است. این مسئله نشانگر حساسیت و اهمیت موضوع میراث فرهنگی ناملموس و حاملان آن و گنجینه‌های زنده بشری می‌باشد. به عبارتی فوت هر استاد و دانشور بومی قبل از به ثبت رساندن دانش بومی وی ضربه‌ای مهلک بر پیکر میراث فرهنگی هر کشور است.

اهمیت این موضوع را می‌توان از مفاد ماده ۲ کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو تشخیص داد که بیان می‌کند میراث فرهنگی ناملموس، احساس هویت و استمرار را برای اجتماعات، گروه‌ها و افراد فراهم می‌نماید، و هم‌زمان پاسداری از این میراث، ضامن خلاقیت است. باین‌حال بسیاری از دانش‌ها و مهارت‌های مرتبط با هنرها و صنعت‌گری سنتی، آیین‌ها و سنت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دلیل کاهش تعداد مجریان و حاملان آن‌ها به علت ازکارافتادگی و یا مرگ، بی‌علاقگی روزافزون جوانان و کمبود بودجه در معرض خطر از میان رفتن است. سالمندان به‌عنوان حافظه تاریخی یک ملت و حاملان دانش و مهارت‌ها و سنت‌هایی که در طول زمان جاری بوده و امروز به ما رسیده‌اند و به‌عنوان گنجینه‌های زنده بشری نه‌تنها تهدیدی برای جامعه نیستند بلکه به‌شرط ایجاد شرایط یک سالمندی سالم یک فرصت متعالی برای هر جامعه هستند. این مهم میسر نمی‌شود مگر به‌شرط هم‌افزایی تجارب و دانش حوزه‌های مختلف در زمینه سالمندی که مددکاری اجتماعی، پرستاری و طب سالمندی از جمله دانش‌ها و مهارت‌های بسیار مؤثر در این زمینه هستند.

این پژوهش به دنبال طرح مسئله چگونگی هم‌افزایی تلاش‌های حوزه‌های گوناگون و میراث فرهنگی در زمینه فن‌آوران بومی سالمند و حفظ و حراست از این گنجینه‌های زنده و حافظان تاریخ و میراث هر جامعه‌ای است. اهمیت این فن‌آوران بومی یا گنجینه‌های زنده بشری به عنوان میراث فرهنگی ناملموس و پاسداری از آن به طور گسترده‌ای از طرف جامعه جهانی شناخته شده است. حفاظت بهینه از دانشوران محلی سالمند و تضمین ادامه توسعه دانش و مهارت از سوی ایشان به نسل‌های جوان‌تر از دغدغه‌های مهم امروزی یونسکو و نهاد میراث فرهنگی می‌باشد. تصویب کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس و حاملان آن توسط مجمع عمومی یونسکو در اکتبر سال ۲۰۰۳ گواه این امر می‌باشد (نک: ماده ۲ قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، ۱۳۸۴: ۳-۲).

بیان مسئله

فوت و یا از کارافتادگی هر دانشور و استاد فنون بومی در صورت عدم رسیدگی به وضعیت حساس ایشان، قبل از ثبت و انتقال دانش و فن وی منجر به از دست رفتن بخش مهمی از میراث فرهنگی و تلنگری به عرصه میراث فرهنگی ناملموس است و ضرورت حفاظت و صیانت از حاملان این میراث را باز تأکید می‌نماید. مسئله مهم این است که در کنار تهیه فهرست ارزشمند و متقن از حاملان میراث فرهنگی ناملموس باید روش‌های حفاظت و نگهداری از حاملان و گنجینه‌های میراث و انتقال بهینه آن به نسل‌های آینده با توجه به ایجاد شرایط سالمندی سالم میسر گردد. این امر ممکن نیست مگر با همیاری نهادهای دولتی، خانواده‌ها و حوزه‌های پرستاری و مددکاری اجتماعی در خصوص سالمندان.

میدان پژوهش (کرمان)

به دلیل حساسیت موضوع، ثبت و تهیه فهرستی از دانشوران بومی و گنجینه‌های زنده بشری، کارگروه ملی با عنایت به موضوع ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق جمهوری

اسلامی ایران به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، مصوب ۲۰۰۳ یونسکو در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری تشکیل گردید، در بند ۶ از ماده ۶ این مصوبه، از وظایف کارگروه، مشارکت در پاسداری از میراث ناملموس شهرها و روستاها به تسهیل و برنامه‌ریزی برای حمایت از استادکاران هنرهای سنتی و حاملان میراث فرهنگی ناملموس (گنجینه‌های زنده بشری) اشاره شده است (نک به: دستورالعمل معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس، ۱۴۰۰: ۱۱-۱).

به دنبال اجرای این مصوبه و اهمیت بالای موضوع، تشکیل تیم‌های پژوهشی در شهرها و روستاها برای شناسایی و ثبت و تهیه فهرست گنجینه‌های زنده بشری صورت بسیار جدی‌تری به خود گرفت. کرمان با وجود داشتن استادکاران خبره در هنرهای زیبایی مانند قالی‌بافی، پته‌دوزی^۱ و مسگری، توان بالایی برای ثبت بیشتر آثار میراث فرهنگی ناملموس و گنجینه‌های زنده بشری این استان را دارا می‌باشد. در این فهرست‌ها جایگاه اساتید کرمانی با توجه به هنرهایی مانند قالی‌بافی، صنایع مس و مسگری، پته‌دوزی و هنرهای چرمی باید بسیار پررنگ گردد.

به گفته مسئولان افزون بر صد میراث معنوی اصفهان در فهرست میراث ملی کشور به ثبت رسیده است^۲. اما در خصوص اساتید و دانشوران بومی استان کرمان اخبار بسیار اندکی به گوش می‌رسید، لذا با توجه به خطیر بودن و اولویت پژوهش در این خصوص و فقدان مطالعه و تحقیق در منطقه کرمان، این شهر به عنوان مطالعه موردی انتخاب گردید.

مبانی نظری مطالعه در خصوص سالمندی

این مطالعه بر اساس رویکرد مردم‌شناسانه و برای درک عمیق و فهم مسائل استادکاران سالمند و حوزه سالمندی صورت گرفته است. از این رو، نظریه‌ها در خصوص سالمندی

۱- پته‌دوزی patch-dozi یکی از هنرهای رودوزی روی پارچه محسوب می‌شود. در اکثر موارد از پارچه‌های

پشمی استفاده می‌شود که با نخ‌های رنگی، نقوش زیبایی را به روی پارچه می‌دوزند.

2. <https://www.irna.ir/news/83377570>

به‌منظور ایجاد حساسیت نظری در مورد مسائلی که سالمندان را درگیر می‌سازد آورده شده‌اند. به علت تعدد نظریه‌ها و محدودیت‌های مقاله به لحاظ حجم در قالب ماتریس به آنها اشاره می‌گردد.^۱

جدول ۱- ماتریس مفاهیم و نظریه‌ها در جامعه‌شناسی سالمندان

تعریف	نظریه پرداز	نظریه
با افزایش سن از مصونیت فرد در مقابل بیماری کاسته می‌شود.	-	نظریه ایمنی ^۲
تغییرات DNA و RNA از علل سالمندی هستند، چنانکه تغییر سلول‌ها، موجب تغییراتی در عملکرد اعضا می‌گردد.	-	نظریه پیر شدن سلولی
رشته‌های کلاژن بافت همبند در دوران سالخوردگی، تغییر شکل و ترکیب مشخص خود را از دست می‌دهد.	-	نظریه رادیکال آزاد ^۳
مقبولیت تجربیات زندگی، منجر به احساس کمال می‌شود و داشتن زندگی بهبوده، منجر به ناامیدی می‌گردد.	اریکسون ^۴	روان‌شناختی
پیرانی که با دید منفی به آینده، محیط و خویشتن می‌نگرند، احساسات آنان نیز خدشه‌دار می‌گردد.	بک ^۵	شناختی
همچنان که جامعه، فرد را از خود جدا می‌سازد، فرد پیر به میل خود، خویشتن را کمتر با جامعه درگیر می‌کند.	کامینگ و هنری ^۷	اجتماعی فرهنگی - عدم تعهد ^۶

۱- برای تدوین ماتریس مفاهیم و نظریه‌ها در جامعه‌شناسی سالمندان از گزارش مبسوطی که حاصل پژوهشی به مدت یک سال بوده، استفاده شده است (نک: مجیدی خامنه، ۱۴۰۰: ۳۶).

2. Immunity Theory
3. Free Radical Theory
4. Erik Erikson
5. Beck
6. Disengagement Theory
7. Cumming & Henry

تعریف	نظریه پرداز	نظریه
افرادی که فعال باقی می‌مانند، با احساس رضایت، پیر می‌شوند.	هویگ هرست ^۲	فعالیت ^۱
افراد همچنان که پیر می‌شوند، سطح ثابتی از فعالیت را حفظ می‌کنند.	نوگارتن ^۴	استمرار ^۳
افراد با توجه به خصوصیات خود و شرایط محیط، از مسئولیت و نقشی به مسئولیت و نقشی دیگر، می‌روند.	اسپنس ^۶	تعاملی ^۵

روش پژوهش

این پژوهش با مطالعه مردم‌نگارانه و بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسانه انجام پذیرفته است. تکنیک پژوهش شامل بررسی مصاحبه‌های عمیق، مطالعه، بررسی مقالات و گزارش‌ها با موضوع گنجینه‌های زنده بشری در جهان، ایران و کرمان بوده و نمونه‌گیری هدفمند از مسئولان حوزه میراث فرهنگی، دانشوران بومی کرمان و خانواده‌های ایشان صورت گرفت. با استخراج درون‌مایه‌های اصلی و فرعی هدف پژوهش تأمین گردید. بر این مبنای مطالعات فراوان، نمونه‌هایی از هنرها و دانش‌های بومی کرمان انتخاب و در خصوص اساتید حوزه‌های مزبور با میراث فرهنگی کرمان ارتباط برقرار گردید.

مصاحبه‌ها و گزارش‌های خبری که از طریق جراید تهیه و ثبت شده بود، مطالعه و بررسی شد. برای تدوین درون‌مایه‌های اصلی، فرعی و در نهایت تعیین راهبردهای حفاظت از گنجینه‌های زنده بشری در کرمان از طریق بررسی مصاحبه‌ها با ۱۵ نفر به‌عنوان نمونه، با رسیدن به مرحله اشباع نظری، درون‌مایه‌ها استخراج گردیدند. از این نمونه‌ها شامل ۴ نفر از مدیران و دست‌اندرکاران میراث فرهنگی، یازده نفر فن‌آوران فنون و هنرهای بومی و

-
1. Activity Theory
 2. Robert J.Havighurst
 3. Continuity Theory
 4. Neugarten
 5. Interaction Theory
 6. Spence

مراقبین خانوادگی ایشان بودند.^۱ صاحبان حرف که به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند شامل قالی‌بافی، پته‌دوزی، مسگری و چرم بودند. موردی هم بود که یکی از روزنامه‌نگاران قدیمی کرمان به‌عنوان گنجینه زنده بشری مورد تقدیر قرار گرفته بود.^۲

متون مصاحبه‌ها به‌دقت مطالعه و از طریق تفسیر متون به درون‌مایه‌ای فرعی و درون‌مایه اصلی دست‌یافته شد. این درون‌مایه‌ها با یکدیگر در ارتباط و در نهایت یک دید کلی از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان از مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی دست می‌دادند تا پژوهشگر بتواند به فهم این تجارب نائل آید و تصویری از آن به دست آورد.^۳ پژوهش با هدف دستیابی به راهبردهای حفاظت از حاملان میراث فرهنگی با این سؤال شروع می‌گردد که با توجه به در خطر بودن بسیاری از فن‌آوران بومی به دلیل کهنسالی و عوارض ناشی از پیری، زوال جسمی و روحی، چه تدابیری برای حفاظت و ثبت میراثی به‌عنوان دانش‌های بومی که ایشان حاملان آن محسوب می‌گردند، اتخاذ گردیده است و اصولاً این افراد و خانواده‌های مراقب از ایشان با چه مسائلی روبرو هستند.

سؤالات فرعی نیز با توجه به روند مصاحبه‌ها بنا به موقعیت مطرح می‌گردیدند. متون مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی و با مرور مکرر هر متن، واحدهای معنایی استخراج شدند و جمع‌بندی واحدهای معنایی، منجر به تولید ۲۲ درون‌مایه فرعی و تجمع درون‌مایه‌های

۱- در اینجا لازم است آرزوی سلامتی و طول عمر برای تمامی استادان و فن‌آوران بومی کرمان نمود که گفته‌ها و مصاحبه‌های ایشان چراغ راه پژوهش برای نگارنده گردید.

۲- در سال‌های اخیر از چند تن از گنجینه‌های زنده بشری و حاملان میراث فرهنگی کرمان، از جمله سرکار خانم آرام از پیشکسوتان و اساتید پته‌دوزی، آقای اسلام‌پناه در رشته صحافی و چرم، آقای اشرف زاده در رشته مسگری تقدیر شده است (نک: <https://www.isna.ir/news/99032516054>)

۳- هر مصاحبه با توجه به وضعیت جسمانی و شرایط مشارکت‌کنندگان سالمند معمولاً بین نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه و با اطلاع کامل ایشان از روند و اهداف پژوهش صورت می‌گیرد. در این خصوص ضمن ارائه معرفی‌نامه و روشن نمودن اهداف تحقیق به مشارکت‌کننده امکان ادامه و یا انصراف از مصاحبه و همچنین محفوظ ماندن نام و مشخصات داده می‌شود تا با فراغ بال به سؤالات تحقیق پاسخ گویند. در صورت عدم تمایل مشارکت‌کننده به معرفی، نام و مشخصات مشارکت‌کنندگان محفوظ می‌ماند.

فرعی، به تولید ۷ درون‌مایه اصلی انجامید. از محدودیت‌های پژوهش، شیوع پاندمی کرونا و عوارض ناشی از آن بود که روند اجرای مصاحبه‌ها را با مشکل روبرو می‌ساخت، در چنین مواردی، برای حل مشکل، جهت ارتباط با مشارکت‌کنندگان از تماس‌های تلفنی و یا از شبکه‌های مجازی یاری گرفته شد.

از نکات مهمی که در خصوص مصاحبه با سالمندان و خانواده‌های آنان باید در نظر داشت، رعایت وقت و حوصله مشارکت‌کننده است. سالمندان به دلیل مشکلاتی جسمانی توان و حوصله مصاحبه‌های طولانی را ندارند و باید در نظر داشت که مصاحبه‌ها کوتاه و در یک و یا نهایتاً دو جلسه انجام پذیرد. در مواردی که نیاز به توضیح بیشتر است، می‌توان از مراقبین خانوادگی و اعضای خانواده که با سالمندان در تعامل مستقیم قرار دارند و آشنایی کافی با مشکلات ایشان دارند، کمک گرفت.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، طرح مسئله چگونگی ایجاد زمینه‌های شناخت عمومی و تبیین راه‌های انتقال و به اشتراک‌گذاری تجارب حوزه‌های مختلف دانش و مهارت در خصوص استادکاران سالمند و حفاظت از گنجینه‌های زنده بشری مدنظر است. شناخت روش‌های آموزش افراد جامعه در خصوص حرکت به سوی سالمندی سالم و استفاده بهینه از سالمندان اصلی مهم است، زیرا به تغییر نگرش‌های منفی که به سالمندی به‌عنوان یک تهدید و نه فرصت نگاه می‌کنند، منجر می‌گردد. این روند به حوزه میراث فرهنگی و مرکز میراث ناملموس در خصوص انتقال، تداوم، اشاعه و توسعه دانش و مهارت‌های بومی و آگاهی یافتن از آنها، ثبت فهرس گنجینه‌های زنده جامعه یاری می‌نماید.

نکته مهم دیگر این‌که، زمینه‌ساز تمهیداتی برای ارائه کمک‌های ویژه از قبیل تشکیل صنف، بیمه، یارانه و آموزش و ترویج اقدامات مربوط به پاسداری از حاملان میراث فرهنگی می‌گردد. در ماده ۱۵ کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس اشاره شده است که هر کشور متعهد، کوشش خواهد نمود تا مشارکت اجتماعات، گروه‌ها

و در صورت لزوم، افرادی را که میراث فرهنگی ناملموس می‌آفرینند، حفظ می‌کنند و انتقال می‌دهند، در گسترده‌ترین حد ممکن تضمین کند و آنها را فعالانه در مدیریت میراث دخالت دهد (ماده ۱۵ قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، ۱۳۸۴: ۷).

اجرای این خواسته به مقدرات و امکانات هر کشور و نهادهای تابعه آن بستگی دارد و نباید بیش از حد تحت تأثیر آنچه در جای دیگر انجام شده است قرار گیرد. به‌عنوان مثال می‌تواند به یک و یا چند حوزه محدود شود. (ر.ک. حوزه‌هایی که در بخش تعریف مفاهیم به آنها اشاره می‌شود). طرح می‌تواند به‌صورت آزمایشی در حوزه محدود به یک یا چند اجتماع در کشور انجام پذیرد و از همه مهم‌تر باید این اقدامات به‌گونه‌ای تنظیم و برنامه‌ریزی شود تا در هنگام اجرا با دیگر جنبه‌های مختلف فرهنگ در کشور مطابقت داشته باشد.

مروری بر تعاریف نظری مفاهیم پژوهش

۱- گنجینه‌های زنده بشری^۱ و حاملان میراث فرهنگی^۲

گنجینه‌های زنده بشری افرادی هستند که دانش و مهارت‌های لازم برای انجام یا بازآفرینی عناصر خاص میراث فرهنگی ناملموس را تا حد بسیار بالایی دارند. این عنوان یا شکلی از آن توسط دولت ملت به شخصی عطا می‌شود که هنوز زنده است و به‌عنوان یک گنجینه ملی محسوب می‌شود که با عنوان گنجینه ملی زنده نیز شناخته می‌شود (دستورالعمل معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس، ۱۴۰۰: ۱۱-۱). در ایران از میراث‌های زنده بشری با عنوان "نادره کاران میراث فرهنگی"، "حاملان میراث فرهنگی" نام برده می‌شود (مصاحبه با معاون میراث فرهنگی).^۳

1. Living Human Treasure

2. Bearers of cultural heritage

۳- هر کشور عضو باید عنوان مناسبی را برای تعیین حاملان دانش و مهارت و یا حاملان میراث فرهنگی انتخاب کند. درحالی‌که اصطلاح "گنجینه‌های زنده بشری" از طرف یونسکو پیشنهاد شده است، در فرانسه با عنوان "استاد هنر"،

۲- پیشکسوت میراث فرهنگی ناملموس

به افراد در قید حیات گفته می‌شود که در زمینه یک یا چند عنصر مشخص میراث فرهنگی ناملموس در سطح محلی، منطقه‌ای یا استانی حائز جایگاه برجسته می‌باشند (دستورالعمل معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس، ۱۴۰۰: ۱۱-۱).

۳- میراث فرهنگی ناملموس^۱

میراث فرهنگی ناملموس و یا میراث زنده متشکل از عملکردها، دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های مرتبط با آن است که جوامع و گروه‌ها به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند. این میراث از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی و فرهنگی، بازآفرینی می‌شود و در ضمن ایجاد احساس هویت و تداوم برای افراد آن جامعه، ضامن توسعه پایدار نیز می‌باشد.

اجزاء میراث فرهنگی ناملموس در ضمن این که می‌توانند به‌طور هم‌زمان در موارد گوناگون با هم ظهور کنند ولی معمولاً در زمینه‌های زیر آشکار می‌شوند:

- سنت‌های شفاهی، مانند زبان به‌عنوان وسیله حمل میراث فرهنگی ناملموس
- هنرهای نمایشی

- آیین‌ها، سنن و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی

- دانش و عملکردها، باورها و مهارت‌ها در خصوص طبیعت و جهان

- صنعت‌گری سنتی (نک به: ماده ۲ قانون کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس).

در جمهوری چک با عنوان "حامل رسم محبوب صنایع دستی"، در جمهوری کره با عنوان "گنجینه ملی زندگی" و "دارنده یک دارایی فرهنگی مهم ناملموس"، در ژاپن نیز با عنوان "دارنده یک ویژگی مهم فرهنگی ناملموس" از این افراد نام برده می‌شود (Lupu, Nicolae. Tănase, Mihail Ovidiu, Petronela Tudorach. 2016: 757-766). در خصوص ایران نک به: <https://www.mcth.ir/news/ID/57663> سایت وزارتخانه میراث فرهنگی و گردشگری.

۴- حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس

حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس، اقداماتی با هدف تضمین تداوم میراث فرهنگی ناملموس، از جمله شناسایی، تحقیقات، جمع‌آوری اسناد، حفاظت، ارتقا و انتقال آن از طریق آموزش رسمی و غیررسمی و همچنین احیای جنبه‌های مختلف میراث فرهنگی ناملموس است (ماده ۲,۲ قانون کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس).

پیشینه موضوع حفاظت از حاملان میراث فرهنگی، سالمندان و گنجینه‌های

زنده بشری

در بحث پیشینه موضوع، ادبیات نظری و ادبیات روش‌شناختی تحقیق باید بر این سه موضوع یعنی اسناد و مقالات و پژوهش‌هایی که در سه حوزه ۱- راهبردهای حفظ میراث فرهنگی، ۲- سالمندان ۳- حاملان میراث فرهنگی یا گنجینه‌های زنده بشری تولید شده‌اند، تکیه کرده و اطلاعات موجود استخراج شوند.

۱- پیشینه مطالعات جهانی یونسکو در خصوص حفاظت از گنجینه‌های زنده

بشری (حاملان میراث فرهنگی)

یکی از مأموریت‌های مهم یونسکو در خصوص راهبردهای حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس و گنجینه‌های زنده بشری می‌باشد. در این برنامه کشورهای مختلفی شرکت کردند از جمله کره، ژاپن، فرانسه، جمهوری چک، رومانی، مجارستان و ... ژاپن از سال ۱۹۵۴ امر محافظت از میراث ملی ناملموس را پی گرفت. در کره جنوبی قانون ویژه‌ای برای حفظ میراث ناملموس در سال ۱۹۶۲ تدوین گردید. طی دهه ۸۰ میلادی، یونسکو رویه‌های خاص خود را برای حفاظت از میراث ناملموس تصویب کرد. در ۲۵ امین سالگرد اجلاس عمومی یونسکو، یعنی در نوامبر ۱۹۸۹، روش و توصیه‌ای در جهت حمایت از فرهنگ‌های سنتی تصویب گردید (Baumann, 1991: 22-31). یونسکو در سال ۲۰۰۱ با انجام تحقیقی در میان کشورها و سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش کرد تا توافق

آنان برای ارائه تعریفی از میراث ناملموس و بستن پیمان‌نامه‌ای در این زمینه را به دست آورد که نتیجه آن کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس بود که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید.

پس از تصویب این کنوانسیون، فهرست مؤسسات ملی فعال در زمینه فرهنگ‌های سنتی و عامه در پایگاه‌های اطلاعاتی منطقه‌ای و جهانی به ثبت رسید و نظام شناسایی، جمع‌آوری، نمایه‌سازی و ثبت اشکال متنوع فرهنگ‌های سنتی و عامه و حراست از آنها و حمایت از حاملان فرهنگ سنتی و عامه و اطلاع‌رسانی و همکاری‌های جهانی در این زمینه، در اولویت برنامه‌های یونسکو و نهادهای مربوط در دیگر کشورها قرار گرفت.

۲- پیشینه مطالعات در ایران و جهان در خصوص حاملان میراث فرهنگی و

گنجینه‌های زنده بشری

به‌غیر از مطالعات گسترده یونسکو در این خصوص که به‌طور خاص به لحاظ مأموریت فرهنگی‌اش به مطالعه و پژوهش و هم‌چنین اتخاذ راهبردها از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌ها در مورد گنجینه‌های زنده بشری می‌پردازد، مطالعاتی دیگر نیز از سوی پژوهشگران دغدغه‌مند در ایران و دیگر نقاط جهان صورت گرفته است. در ایران مقالات و گزارش‌های زیادی از سوی پژوهشگران تهیه شده است که می‌توان به مقالات نشریه علمی- پژوهشی دو فصلنامه دانش‌های بومی دانشگاه علامه طباطبایی اشاره نمود. این نشریه با تمرکز بر موضوع دانش‌ها و دانشوران بومی به انتشار مقالات فراوانی می‌پردازد که هدف آن ایجاد محیط فکری برای پژوهشگران ملی و بین‌المللی است تا با تمرکز بر مبحث دانش‌های بومی به تبادل نظر با یکدیگر بپردازند. این نشریه در پاسخ به پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه دانش بومی و مردم‌شناسی انتشار می‌یابد (به‌عنوان مثال نک: فرهادی، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳. جمعه پور، ۱۳۹۴. چیت‌سازیان و دیگران، ۱۳۹۴ و دیگر مقالات این نشریه).

در دیگر نقاط جهان نیز مطالعات بسیار مبسوط در این زمینه انجام شده است. از جمله باید به پژوهش لوپو و همکارانش^۱ اشاره کرد که به طور خاص به گنجینه‌های زنده بشری و مسائل آنان و همچنین روش‌های انتخاب اساتید و دانشوران بومی در نقاط مختلف جهان مانند ژاپن، کره، فرانسه و ... پرداخته است و حاصل پژوهش به شکل مقاله‌ای مفید در این زمینه به سال ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است. از دستاوردهای مهم این پژوهش معرفی معیارهای دقیق برای انتخاب حاملان میراث فرهنگی یا گنجینه‌های زنده بشری در کشورهایی مانند فرانسه، رومانی و ژاپن است و به شرح تجارب این کشورها در زمینه گنجینه‌های زنده بشری پرداخته است.

۳- پیشینه مطالعات در خصوص حفاظت از سالمندان در ایران

در بررسی متونی که از زمان تدوین برنامه‌های حفاظت از حاملان میراث فرهنگی یا گنجینه‌های زنده بشری به رشته نگارش درآمدند متوجه می‌شویم که اکثر قریب به اتفاق حاملان میراث فرهنگی و گنجینه‌های زنده بشری که بر طبق ضوابط کشورهای مختلف در این لیست قرار می‌گیرند، دارای سنین بالا و در گروه سالمندان قرار می‌گیرند که در اکثر موارد در کنار خانواده و همراه با اعضای فامیل از جمله همسر و یا فرزندان و خویشاوندان نزدیک زندگی می‌کنند و در مواردی محدود، در آسایشگاه‌ها و یا مراکز نگهداری سالمندان زندگی می‌کنند، این خانواده‌ها و یا مراکز در رابطه با این سالمندان که به علت کهولت سن با مسائل عدیده‌ای از جمله انواع ناتوانی‌های جسمی و روحی روبرو هستند، مشکلاتی را به لحاظ مراقبت بهینه تجربه می‌کنند که پرداختن به آنها برای یک سالمندی موفق و سالم که لازمه توانایی این افراد برای انتقال موارث فرهنگی ناملموس به نسل‌های بعدی است، بسیار مهم و برای حفاظت بهتر از گنجینه‌های زنده بشری و یا حاملان میراث فرهنگی ناملموس حیاتی است. از آنجا که مسائل و مشکلات سالمندان در هر نقطه از مشابهت‌های فراوانی برخوردار است، پرداختن به این پیشین‌نگاشته‌ها اهمیت خاصی دارد.

1. Lupu, Nicolae. Tănase, Mihail Ovidiu, Petronela Tudorach.: 2016: 757-766

خوشبختانه در دهه اخیر در ایران، به‌ویژه در مجموعه مجلات سالمند که نشریه دانشگاه علوم بهزیستی است مقالات فراوانی به مسائل سالمندان اختصاص داده شده است از جمله، در مطالعه توصیفی مقطعی^۱ که در سال ۱۳۸۶ در مورد مقایسه وضعیت سالمندان مقیم آسایشگاه و مقیم خانواده در ایران انجام گرفت، ۵۰۴ نفر سالمند بالای ۶۰ سال انتخاب شدند که از این میان ۲۶۴ نفر سالمندان مقیم آسایشگاه‌های سالمندی سراسر کشور به‌عنوان گروه مقیم آسایشگاه و ۲۵۸ نفر سالمندان غیر آسایشگاهی، به‌عنوان گروه مقیم خانواده انتخاب شدند. نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک انجام شد و از ابزار پرسشنامه، مصاحبه و مشاهدات استفاده گردید نتایج تحقیق نشان می‌داد که افول پایگاه اجتماعی سالمندان، بی‌همسری، نداشتن خانواده، و نگرش منفی اعضاء خانواده به سالمندی در میان سالمندان مقیم آسایشگاه بیشتر است و از عوامل مؤثر بر اقامت سالمندان در آسایشگاه‌ها می‌باشد (محمدی، فرحناز؛ دباغی، فاطمه و یادآور نیک‌روش، منصوره، ۱۳۸۶: ۴۴۷).

در یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع همبستگی که با هدف کلی تعیین خود کارآمدی و فشار مراقبتی و بررسی ارتباط آنها در مراقبین عضو خانواده سالمندان مبتلا به آلزایمر مقیم در منزل شهر تهران در سال ۱۳۸۴ انجام پذیرفت، ۸۱ نفر از مراقبین عضو انجمن آلزایمر ایران مورد بررسی قرار گرفتند که ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بود و نتایج تحقیق، نشان‌دهنده نیاز به آموزش مراقبین بود، همچنین یافته‌ها نشان می‌داد که دو متغیر خود کارآمدی و فشار مراقبتی، مفاهیمی کاملاً فردی بوده و به برآورد و ادراک کلی فرد از خود بستگی دارد و هرچند مراقبت از بیمار مبتلا به آلزایمر امری استرس‌آور است لیکن ارزیابی مراقبین از این استرس به‌گونه‌ای نیست که مراقبین، آن را غیرقابل رویارویی تعبیر کنند (محمدی شهابلاغی، ۱۳۸۵: ۲۶).

در یک بررسی از مشکلات اجتماعی خانواده‌های مراقبت‌کننده از سالمند ناتوان در شهر کرج، که یک مطالعه از نوع توصیفی همبستگی بود، با روش نمونه‌گیری تعداد ۹۰

خانواده با ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این مطالعات نشان می‌داد در صورت تداوم مراقبت از سالمندان وابسته و عدم حمایت دولت و اجرای برنامه‌های حمایتی برای سالمندان و خانواده‌هایشان، امکان خستگی و افزایش بار مسئولیت در این خانواده‌ها وجود دارد که این مسئله منجر به سوء رفتار با فرد سالمند می‌گردد و علی‌رغم وجود مشکلات ذکر شده در این خانواده‌ها، می‌توان با حمایت از آنان به‌خصوص زنان، از افزایش اختلال در روابط اعضای خانواده‌ها با سالمندان و فعالیت اجتماعی‌شان و فرستادن والدین به خانه سالمندان جلوگیری کرد (بابائی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

مقاله دیگر به بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت سالمند در خانواده می‌پردازد. در این مقاله پژوهشی سعی بر این است که با شناخت عوامل تثبیت‌کننده و بهبوددهنده و با روشی پیمایشی وضعیت و موقعیت فرد سالمند در خانواده را مورد بررسی قرار دهد و با استفاده از تکنیک مصاحبه و پرسشنامه در یک جمعیت ۲۰۰ نفری از سالمندان بالای ۶۵ سال مقیم در خانواده ساکن در منطقه ۷ تهران و با روش تصادفی ساده به این عوامل دست یابد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که فاکتورهایی مانند سن، میزان تحصیلات، وضعیت سلامتی، میزان همکاری، وضعیت اقتصادی، نوع خانواده و بالاخره میزان مذهبی بودن خانواده فرد سالمند بر موقعیت افراد سالمند در خانواده اثر می‌گذارد و توصیه به اقدامات و برنامه‌ریزی‌های مناسب و مؤثر که باعث پیشگیری و کاهش مشکلات فعلی و آتی سالمندان، و از این طریق موجب ارتقاء و بهبود هر چه بیشتر موقعیت آنان در خانواده می‌گردد، شده است. (سام آرام و احمدی بنی، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

یافته‌ها

از خلال مصاحبه با مدیران و دست‌اندرکاران میراث فرهنگی اولین درون‌مایه فرعی یعنی رویارویی با چالش‌ها شکل گرفت و مشخص گردید از سال‌ها پیش، با مطرح شدن مسئله میراث فرهنگی ناملموس - شفاهی و خطر زوال دانش‌های بومی به همراه از دست رفتن حاملان آنها، این مسئله، اذهان جهانیان و دلسوزان میراث‌های محلی را به خود معطوف

داشته است. این چالش جهانی در سال‌های اخیر در ایران نیز منجر به وقوع مدیریت در حوزه حفاظت از این میراث گردید که درون‌مایه اصلی اول (فرایند وقوع مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی) را تشکیل می‌دهد. افراد زیادی هستند که می‌توانند به‌عنوان گنجینه زنده بشری ثبت گردند، ولی مشکلات اجرایی مانند اختلاف نظرها و هم‌چنین مسئله تعیین صلاحیت‌ها از مواردی است که انتخاب افراد را با چالش همراه می‌سازد. (برگرفته از مصاحبه با مدیر بخش ثبت آثار میراث فرهنگی).

در پی چاره‌جویی برای این مسئله (درون‌مایه فرعی دوم) در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری بخشی با عنوان ثبت میراث فرهنگی ناملموس ایران شکل گرفت که به فعالیت‌های مؤثر در زمینه ثبت آثار می‌پردازد. از دیگر سو، مدیران بالادست در وزارتخانه متبوع، دستورالعملی به‌منظور معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس به بخش‌های دولتی که در ارتباط با حاملان میراث فرهنگی ناملموس هستند فرستاده‌اند تا به معرفی و ثبت این افراد به‌عنوان گنجینه‌های زنده بشری بپردازند.

کارگروه مشارکت در پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در شهرها و روستاها ایجاد و شورای ملی ثبت تشکیل شده است. این توجهات باعث گردید نگرش جدیدی نسبت به فن‌آوران کهنسال و دانشوران بومی شکل گیرد که خود منجر به تغییر هنجارها (درون‌مایه سوم) نسبت به این گنجینه‌های زنده بشری گردید که تا پیش از دست رفتن فرصت به ثبت آنان در فهرست نادره کاران بپردازند. با وجود این که افراد بسیاری در کرمان هستند که می‌توانند در لیست گنجینه‌های زنده بشری قرار گیرند اما مسئله تقدم افراد و انتخاب هنرمند و یا فن‌آوری که در زمانی خاص از ارجحیت ثبت برخوردار است مسئولان امر را با چالش مواجه می‌سازد (برگرفته از مصاحبه با مدیر بخش ثبت آثار میراث فرهنگی).

از سویی دیگر الزامات حقوقی و مادی که مسئله ثبت بر عهده دولت واگذار می‌سازد از مسائل دیگری است که تنها از طریق نهادهای دولتی میسر نیست بلکه عزمی عمومی،

مشارکت گروهی و تشریک‌مساعی همگانی اعم از دولت و مردم را طلب می‌نماید (درون‌مایه فرعی چهارم). این مسئله متوجه شخصی که حامل و عامل دانش بومی است و خانواده‌های مراقب ایشان نیز می‌گردد. چالش‌ها باعث ارتقاء مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس و گنجینه‌های سالمند زنده می‌گردد که درون‌مایه فرعی پنجم را تشکیل می‌دهد. چاره‌جویی‌ها، تغییر هنجارها و نگرش‌ها، مشارکت‌های گروهی و تشریک‌مساعی و ارتقاء مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس پیامدهای رویارویی با چالش هستند (درون‌مایه اصلی دوم).

در این مرحله سه نوع درک و نگرش را شاهد هستیم. گروهی آن اقدام‌ها و چالش‌ها را مفید و کارساز دانسته، برخی مشکل‌ساز و غیرقابل کنترل و گروهی نیز نگرش و درکی دوگانه و در میانه این دو نظر دارند. باین‌همه، این چالش با وجود مشکلات پیش رو در کلیت خود حرکتی مثبت و روبه‌جلو محسوب می‌شود، زیرا در اکثر نقاط جهان چالشی جدی برای ثبت این گنجینه‌های زنده بشری صورت گرفته که تفاوت‌ها بر سر چگونگی و معیارهای ثبت است. تجمع این سه نوع نگرش در مجموع، ادراک جامعه موردنظر یعنی کرمان را در خصوص بحث حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس با تأکید بر حاملان سالمند میراث فرهنگی و گنجینه‌های زنده (درون‌مایه اصلی سوم) را بیان می‌کند.

آنان که بر مشکل‌ساز و غیرقابل کنترل بودن این مبحث پای می‌فشارند، دلیلشان، فقدان معیارهای قاطع در خصوص انتخاب افراد ذی‌صلاح برای ثبت به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی ناملموس و نادره‌کاران است. در خلال این چالش عده‌ای همراه و مشارکت‌جو، برخی مسئولیت‌گریز و ناسازگار و برخی همساز هستند. آن عده که بر اثر مطالعه، علاقه و جستجو با مبحث میراث‌های فرهنگی ناملموس آشنا هستند دلسوزانه در امر حفاظت و معرفی این گنجینه‌های زنده بشری مشارکت و همراهی دارند. در بخش ثبت میراث فرهنگی ناملموس از پژوهشگران خواسته می‌شود در پی ثبت یک اثر، حتماً به کارگزاران آن و اساتید فن و معرفی آنها نیز بپردازند.

در نقطه‌ی مقابل کسانی هستند که به دلایل گوناگون، از جمله ناآگاهی و فقدان دانش در خصوص میراث‌های فرهنگی ملموس و ناملموس به اهمیت این مسئله پی نبرده‌اند و یا بر اثر کاهلی و بی‌توجهی با عنوان نمودن اینکه وقتی برای صرف به این موضوع نیست و یا مشکلات جدی‌تری از مسئله فوق در زندگی دارند و یا دانش و اطلاعاتی در این خصوص ندارند، به‌نوعی اهمیتی به موضوع نداده از مسئولیت می‌گریزند. برخی نیز در این میانه گاهی با جدیت و گاهی از سر بی‌تفاوتی به موضوع نگاه می‌کنند. با این حال به نظر می‌آید با آموزش‌های لازم و بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی‌های مناسب بتوان هر روز بیشتر از روز پیش توجه به این امر خطیر را افزایش داد.

آنچه مشکل‌ساز است ضعف قوانین و یا ضوابط در خصوص میراث‌های فرهنگی ناملموس است. این مسئله با ضعف اطلاعات و دانش کافی نسبت به اهمیت مسئله چه از سوی برخی مدیران دولتی و چه از سوی مردم همراه است. هرچند دستورالعملی از سوی معاون رئیس‌جمهور وقت برای نهادهایی مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت ورزش، سازمان صداوسیما، فرهنگستان زبان، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها فرستاده شده است، ولی این دستورالعمل باید با دانش‌افزایی و تشکیل کارگاه‌های آموزشی قوی و اطلاع‌رسانی جامع برای مدیران و دست‌اندرکاران این نهادها همراه باشد (نک: دستورالعمل معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس، ۱۴۰۰: ۱۱-۱).

آنچه این امر را دچار آسیب‌های دیگر می‌کند، ادراک مردم از میزان اعتماد به عملکرد نهادهای دولتی در این خصوص است. به عبارتی اینکه مردم نیز به عملکرد دولت و نهادهای دولتی نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس اعتماد داشته و یا خیر و احساس مسئولیت‌پذیری از سوی مقامات ذی‌ربط بنمایند و یا خیر، نیز می‌تواند نیرویی مثبت و روبه‌جلو به این امر بدهد و یا ممانعت نماید. در این راستا باور به فقدان و یا کمبود منابع و تسهیلات، ضعف ویژگی‌های شهروندی در ادراک میزان اهمیت میراث‌های

فرهنگی ناملموس به‌عنوان درون‌مایه‌های فرعی که در تجمیع با یکدیگر، درون‌مایه اصلی ادراک از جامعه و یا دیگری عام را تشکیل می‌دهند، بیانگر عوامل ممانعت‌کننده از تأثیر راهبردها و راهکارهای حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس هستند.

عوامل مثبت مانند اعتماد به عملکرد دولت و شهروندان و مدیریت امور، می‌تواند باعث ادراک زیبا و خوشایند بودن محافظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و در نقطه مقابل عوامل منفی مانند عدم اعتماد به عملکرد دولت و شهروندان، ضعف قوانین و عدم آموزش صحیح در خصوص حفاظت از گنجینه‌ها و حاملان میراث فرهنگی می‌تواند باعث ادراکی مانند احساس بی‌فایده‌گی و ناخوشایندی این امر بنماید. ادراک مثبت و منفی باعث واکنش‌های رفتاری می‌گردد که در صورت منفی بودن ادراک‌ها، باعث عدم همکاری در حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی گردد و در صورت مثبت بودن ادراک، باعث همدلی و همکاری در حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی گردد.

جدول ۲- درون‌مایه‌های فرعی و اصلی

درون‌مایه‌های اصلی	درون‌مایه‌های فرعی
فرایند وقوع مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی	رویارویی با چالش‌ها
پیامدها	چاره‌جویی
	تغییر هنجارها و نگرش‌ها
	مشارکت گروهی و تشریک‌مساعی
ادراک حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی	ارتقاء مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
	مفید و کارساز
	مشکل‌ساز و غیرقابل کنترل
	دوگانگی

درون‌مایه‌های اصلی	درون‌مایه‌های فرعی
ادراک از گروه	همراه و مشارکت‌جو
	مسئولیت‌گریز و ناسازگار
	همساز
ادراک از جامعه (دیگری عام)	ضعف قوانین
	عدم اعتماد به دولت در موضوع حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
	عدم مسئولیت جامعه (اعم از افراد و دولت) در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
	ضعف مدیریت دولت در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
	فقدان یا کمبود منابع و تسهیلات
	ضعف ویژگی‌های شهروندی
	تجربه‌ای ناخوشایند
ادراک از مدیریت حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی	تجربه‌ای زیبا و ارزشمند
	تجربه‌ای دوگانه
	عدم همکاری در حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
واکنش‌های رفتاری	همدلی و همکاری در حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی
	به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی

از بررسی درون‌مایه‌های فرعی و اصلی در نهایت به درون‌مایه مرکزی راهبردهای حفاظت از میراث فرهنگی با تأکید بر سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی به دست آمد.

راهبردها

۱- تهیه فهرست جامع و کامل از فن‌آوران و دانشوران بومی

اولین و مهم‌ترین موضوع در حفاظت از گنجینه‌های زنده بشری و استادکاران بومی کرمان تهیه فهرست جامع و کامل از ایشان است، بدون دانستن این موضوع تعیین حدود و

ظرفیت‌های حفاظت ناممکن است. هنوز فهرست جامعی از حاملان میراث فرهنگی کرمان وجود ندارد (مصاحبه با مسئولان میراث فرهنگی کرمان). نبود اطلاعات کافی از تعداد اساتید باعث می‌گردد برنامه‌ریزی دقیق برای ساماندهی این بخش مهم از میراث فرهنگی ممکن نگردد. چنین می‌نماید که تقدیر از این دانشوران به شکل سلیقه‌ای اعمال می‌شود و ضوابط محکم و متقنی برای این کار وجود ندارد. خطری که این مسئله ایجاد می‌کند، جا ماندن و غیبت بسیاری از اساتیدی است که باید به حق در این فهرست قرار بگیرند و متأسفانه ممکن است اهمال در این خصوص آن‌قدر طول بکشد که آن استاد قبل از مرحله ثبت هنر و فنش و انتقال آن به شاگردان، دار فانی را وداع گوید.

۲- تعیین معیارهای دقیق برای انتخاب حاملان میراث فرهنگی یا گنجینه‌های

زنده بشری

از موارد بسیار مهمی که مسئولان ثبت حاملان میراث فرهنگی کرمان را با مشکل مواجه ساخته تعیین معیارهای دقیق و جامع برای انتخاب حاملان میراث فرهنگی و گنجینه‌های زنده بشری است (مصاحبه با مسئولان میراث فرهنگی کرمان). این مشکل باعث گردیده باوجود اینکه استان کرمان، منطقه‌ای غنی به لحاظ تنوع میراث فرهنگی است، به‌غیر از تعدادی بسیار انگشت‌شمار، تاکنون موفق به ثبت اساتید فنون بومی در لیست حاملان میراث فرهنگی نشده است.^۱ در کرمان نام استاد اسلام‌پناه در حوزه صحافی کتاب، از تنها موارد ثبت شده است.

۱- در دیگر نقاط جهان، از جمله معیارهای اعطای عنوان گنجینه زنده بشری در فرانسه: ۱- حداقل ۱۵ سال تجربه در فعالیت هنری - صنایع دستی. ۲- مشارکت در نوآوری. ۳- آموزش یک نوآموز با توجه به میزان عملکرد است. این آموزش باید به تأیید برسد. در رومانی نیز وجود خصوصیتی چند در فرد او را لایق برخورداری از عنوان گنجینه زنده بشری و یا عنوان حامل میراث فرهنگی ناملموس می‌نماید. در سال ۲۰۰۹ متعاقب قانونی که در سال ۲۰۰۸ در خصوص تعیین آیین‌نامه اعطای عنوان گنجینه زنده بشری تصویب گردید و در اجرای آن خصوصیتی برای کسب این عنوان تعیین گردید. کسانی می‌توانند به‌عنوان خلاق و انتقال‌دهنده عناصر میراث فرهنگی ناملموس و یا حامل میراث فرهنگی ناملموس شناخته شود که بتواند از طریق ابزار و اشکال سنتی تحریف‌نشده، عناصر میراث فرهنگی ناملموس را انتقال دهد و هم‌زمان هم حامل و دارنده عناصر میراث فرهنگی ناملموس و هم ایجادکننده و مجری آن و هم قادر به انتقال

۳- تأمین نیازهای زیستی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی دانشوران بومی و

تشکیل اصناف

از خلال مصاحبه‌ها و در تجمیع و نتیجه‌گیری از مباحث مشخص گردید که یکی دیگر از مهم‌ترین و فوری‌ترین راهبردها، تأمین نیازهای زیستی و اجتماعی و فرهنگی حاملان میراث فرهنگی ثبت‌شده در فهرست‌ها است. در کنار ثبت فوری گنجینه‌های زنده بشری باید به مسئله مهم و حیاتی تأمین نیازهای زیستی، امنیتی، اجتماعی، کرامت، خودشکوفایی و خودانگیزی ایشان پرداخت. به عبارتی در وهله اول نیازهای مهم ایشان برای ادامه حیات، شامل خوراک، پوشاک و مسکن در حد ممکن تأمین باشد. نیازهای امنیتی در خصوص حفاظت از خود در زمان حال و آینده بسیار مهم و بحث‌بیمه بودن این افراد را مطرح می‌سازد.

در مصاحبه‌ها، بسیاری از نادره‌کاران کرمانی، به مسئله حوادث شغلی اشاره داشتند. این افراد در معرض تهدید بسیاری خطرات شغلی قرار دارند که ممکن است یا جان خود را از دست بدهند و یا دچار معلولیت‌ها و دردهای جسمانی و روحی مادام‌العمر گردند که در عمل با ازکارافتادگی اجباری و زودتر از موعد روبرو می‌گردند (مصاحبه با اساتید سالمند قالی‌باف و مسگر کرمانی). در هنرهایی مانند قالی‌بافی، مسگری، بهداشت کار و تأمین مسئله سلامت و حفاظت از خطرات شغلی از مواردی بود که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره داشتند. مشکلات جسمانی ناشی از کار در این دو رشته یعنی قالی‌بافی و قلم‌زنی مس به ناتوانی زودرس جسمانی استادکاران منجر می‌گردد.

در رشته مسگری عوامل صوتی و شیوه کار مشکلات جسمانی زیادی ایجاد می‌کند و هزینه‌های درمان، فشار اقتصادی زیادی را بر آنان تحمیل می‌نماید. به‌غیراز این، افزایش

الگوهای سنتی و فرهنگی میراث ناملموس بشری باشد. این فرد باید هم موردستایش و تقدیر مجریان صنایع دستی و هم جامعه علمی باشد. افرادی که به‌نوعی در آموزش‌های حرفه‌ای شرکت کرده‌اند، نمی‌توانند نامزد این عنوان گردند، بلکه درخواست‌ها باید توسط مدیران سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، آموزشگاه‌ها و یا متخصصان ارسال گردد (Lupu, Nicolae. Tănase, Mihail Ovidiu, Petronela Tudorach. 2016: 757-766).

قیمت مواد اولیه و تأمین آنها بار اقتصادی و روانی بر دوش اساتید سالمند قالی‌باف و قلم‌زنی مس است. از موارد دیگر نیازهای اجتماعی، احساس تعلق، محبت، احترام و کرامت است که باید از سوی دولت، مردم و خانواده‌های ایشان تأمین گردد. این نیازها با پرداخت حقوق و مزایا و امکانات رفاهی، ایجاد امنیت شغلی و مقررات حمایتی شامل تشکیل گروه‌های رسمی و غیررسمی حامی در محیط کار و زندگی ایشان، قائل شدن حرمت و احترام برای آنان، حرفه و هنرشان می‌تواند زمینه‌ساز و ایجادکننده امکانات برای خودشکوفایی و خودانگیزی ایشان گردد. نظریهٔ مازلو و هرم سلسله نیازهای مازلو به‌خوبی بیانگر این مسئله می‌باشد (رضاییان، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

بنا بر مصاحبه‌ها، در کرمان فقدان صنف حمایتگر از مواردی است که اساتید فنون بومی از آن در رنج هستند. احراز موقعیت گنجینهٔ زندهٔ بشری، نیازمند تأمین احتیاجاتی است که در سطور بالا بدان اشاره گردید. درحالی‌که بر اساس مصاحبه‌ها، اساتید فنون بومی کمتر از حمایت‌های رسمی برخوردار هستند و با مشکلات زیادی در کار خود روبرو می‌باشند. این مسائل باعث می‌شود دل‌ودماغ و حوصله‌جانشین‌پروری برایشان نماند و جوانان هم به دیدن مشکلات ایشان رغبتی به دنبال کردن حرف بومی نشان ندهند.^۱

۴- فعال نگاه‌داشتن فن‌آوران بومی کهنسال و خروج از انزوا با تعیین نقش‌های مؤثر

مسئلهٔ مهم دیگر فعال نگاه‌داشتن فن‌آوران و استادکاران کهنسال و ایجاد زمینه‌های این امر است تا از منزوی گشتن ایشان پرهیز شود و درعین حال به لحاظ آموزش و تحرک

۱- یکی از دغدغه‌های اصلی تمام دانشوران بومی این مسائل بوده و بر این مشکلات اشاره می‌کردند. در دیگر نقاط جهان مانند ژاپن شرایطی از جمله: وضعیت سلامتی، تعداد جوایز، تعلیم جانشینان، موقعیت و جایگاهی که آن استاد در جامعهٔ محلی دارد و البته شخصیت و خصوصیت فردی آن استاد حائز اهمیت است و باعث حمایت از وی می‌گردد. به دیگر سخن، انتخاب فردی به‌عنوان گنجینهٔ زندهٔ بشری در ژاپن پروسهٔ پرپیچ‌وخمی عبور می‌کند و فرد متقاضی یا فردی که برای این عنوان در نظر گرفته می‌شود، هم به لحاظ خصوصیات فردی و هم به لحاظ خصوصیات اجتماعی باید واجد شرایط دریافت این عنوان باشد و درعین حال از وضعیت سلامتی مطلوبی نیز برخوردار باشد تا بتواند با انتقال تجربه، دانش و هنر خود به افراد نسل بعد و جوان‌تر، حامل میراث فرهنگی ناملموس باشد (Lupu, Nicolae). (Tănase, Mihail Ovidiu, Petronela Tudorach. 2016: 757-766).

آنها را فعال نگاه داشت. در مصاحبه‌های زیادی به مسئله عدم توجه به فعال نگهداشتن فن‌آوران بومی کهنسال اشاره گردید. استادکاران سالمند قلم‌زنی از ورود مس از شهرهای دیگر و از سکه افتادن بازار مس کرمان شکایت می‌کردند. مس کرمان و ورق آماده را باید یا از تهران و یا اصفهان یا زنجان بخرند. از یک مقدار معین هم بیشتر به آنها ورق مس نمی‌دهند، با این شرایط چطور باید این صنعت را سرپا نگه‌دارند؟

بانوان بافنده نیز از کساد بازار شکایت داشتند. محصولات بازار خوبی ندارد و مردم هم مثل سابق استقبال نمی‌کنند. محصولات وارداتی نیز بازار رقابتی سختی را به وجود آورده‌اند. اساتید هنر مسگری به واردات بی‌حساب و کتاب صنایع دستی ارزان‌قیمت چینی و هندی اشاره می‌نمودند و از مشکل عدم تأمین بیمه و حمایت از هنرمندان قلم‌زن، کمبود مواد اولیه و عدم امکان خرده‌فروشی محصولات خود شکایت داشتند.

تأمین پشتیبان‌های مالی و اقتصادی مانند بازار فروش محصولات، بیمه، مستمری به‌ویژه در زنان استادکار سالمند بسیار مهم است. در کرمان زنان استادکار فنون بومی مانند قالی‌بافی یا پته‌دوزی رنج بیشتری از مشکلات را متحمل می‌شوند. در سنین پیری از انواع مشکلات جسمی در ناحیه دست و مچ دست، کمر و چشمان رنج می‌برند. برای تأمین هزینه‌های درمان، بیمه نیستند. از مشکلات دیگر استادان پته‌دوز کرمانی، روی آوردن افراد غیربومی و مهاجران به این حرفه است که بازار فروش را با ارائه محصولات بی‌کیفیت، برای استادکاران کرمانی و ارائه کالاهای اصیل، مختل نموده است.

بسیاری از زنان استادکار سالمند، بیوه و بدون پشتیبانی برای تأمین نیازهای مالی و اقتصادی خود هستند. آنان در سنین پیری، با از دست دادن توانایی کار و تولید درآمد و در اثر بیوگی از این بنیه مالی و اقتصادی بی‌بهره شده‌اند. از سوی دیگر مسئله سبک و سیاق کلی زندگی استادکاران سالمند است به عبارتی اگر هم در پی تغییراتی برای هماهنگی با اوضاع و احوال متغیر اجتماعی در پیش گرفته می‌شود، این تغییرات باید با عنایت به صورت کلی عادات و سبک و سیاق زندگی آنان باشد.

این مشکلات در نظریه محیط اجتماعی گوبریوم^۱ مورد اشاره قرار گرفته است. در مصاحبه با استادکاران سالمند کرمانی، اعضای خانواده ایشان اشاره به این موضوع مهم کردند که حتی برگزاری جشنواره‌ها و جابه‌جایی استادکاران سالمند برای شرکت در رویدادی خاص باید با برنامه‌ریزی صحیح و ایجاد آرامش برای ایشان همراه باشد. زیرا هر نوع تغییر و جابه‌جایی می‌تواند موجب تشویش ذهنی ایشان گردد (مصاحبه با دانشوران بومی و خانواده‌های ایشان).

نظریه عدم تعهد یا عدم مشارکت و دیدگاه کارکردگرایانه الیان کامینگ^۲ و وارن ارل هنری^۳ در سال ۱۹۶۱ مویید این نظریه است. (نک: علیخانی، ۱۳۸۱: ۴۵). بر اساس نظریه دیگر به نام نظریه فعالیت^۴ و دیدگاه عمل متقابل که به منظور رفع نقایص نظریه عدم تعهد ارائه گردید، هرچند به دلایل جسمانی، روانی و اجتماعی اگر برخی نقش‌ها از فن‌آوران بومی کهنسال، نقش‌هایی که برای ایشان باقی مانده باید به روشنی تعریف گردد و حتی ایشان باید آزادی جایگزینی فعالیت‌های قبلی با حرفه‌های جدید را دارا باشند و بتوانند دانش خود را با صورت‌های جدیدی از حرفه خود مطابقت دهند. به عبارتی یا نقش‌های جدیدی برای ایشان تعریف گردد و یا برای حفظ نقش‌های قدیم، وسایل تازه‌ای ابداع گردد و نقش‌های جدید نیز با نوعی درآمد همراه باشد (آل میشارا، ۱۳۶۷: ۶۸). نخست به دلیل ضرورت اقتصادی و دیگر به خاطر این که در جامعه کار با حقوق ارجی دارد که کار داوطلبانه فاقد آن است.

بر اساس نظریه تداوم^۵ و مبدع آن رابرت اشلی^۶، برای ایجاد بهره‌وری از استادکاران سالمند که به عنوان گنجینه‌های زنده بشری محسوب می‌شوند، نباید تغییری در سبک و سیاق زندگی که با آن خو گرفته‌اند بدهند و بدین ترتیب با جلوگیری از تشویش، آرامش

-
1. J.F.Gubrium
 2. Elaine Cuming
 3. Warren Earl Henry
 4. Activity theory
 5. Continuity Theory
 6. Robert Atchley

زندگی ایشان را تأمین نمایند (نک به نیازی. بابایی فرد، ۱۳۹۰: ۸۰). اگر به نظریه مبادله نظر بیفکنیم بعدی دیگر از راهبردها رخ می‌نماید. بر اساس این نظریه که توسط جرج هومنس^۱ مطرح شده است، روابط و عمل متقابل اجتماعی میان افراد وقتی به گونه‌ای کامل مطرح می‌شود که تمامی شرکت‌کنندگان در آن احساس کنند که از روابط میان خود سود می‌برند. افراد و گروه‌ها نه تنها از پاداش‌های مادی سود می‌برند، بلکه آنان از عشق و علاقه، تأیید، احترام و سایر پاداش‌های غیرمادی نیز بهره‌مند می‌شوند.

بنابراین اگر استادکاران بومی کهنسال در رابطه با افراد دیگر از رابطه خود سودی نمی‌برند و از ایشان تأیید، احترام و سایر پاداش‌های غیرمادی لازم را دریافت نکنند، تعاملات و یا روابط اجتماعی ایشان با دیگران رو به کاهش می‌نهد و به انزوا و عدم شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در خصوص پیشه و تخصص خود متمایل می‌گردند (نک به: پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴؛ علیخانی، ۱۳۸۱: ۴۵). نظریه خانواده و نظریه ساختاری-عملکردی، سیستم خانواده و صیانت از افراد آن را در ارتباط با دیگر مراکز مانند مراکز مراقبت‌های بهداشتی، مذهبی، دولتی و اقتصادی و تکنولوژی می‌داند که برای عملکرد بهینه در خصوص حاملان کهنسال میراث فرهنگی باید با یکدیگر هماهنگ باشند (نک به: حسام زاده، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۱).

۵- ارتقاء آگاهی محلی، ملی و بین‌المللی در حوزهٔ موارث فرهنگی جامعه و

تضمین درک متقابل حوزه‌های گوناگون

از آنجایی که بسیاری از دانشوران بومی کهنسال در کرمان با خانواده خود زندگی می‌کنند، بسیار اهمیت دارد که خانواده‌های ایشان، حتی دیگر ساکنین بومی جامعه آنها که با اساتید کهنسال در ارتباط و حشرونشر قرار دارند، با موضوع حفاظت از گنجینه‌های زنده بشری و اهمیت دانشوران بومی کهنسال آشنایی کامل داشته باشند زیرا حفاظت از این

گنجینه‌ها در میان عزیزان و نزدیکان به گونه‌ای که آسایش، آرامش و امنیت ایشان در محیط آشنای خود تأمین گردد، بسیار حائز اهمیت و از هزینه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی امر حفاظت و صیانت میراث ناملموس می‌کاهد. این امر به‌غیر از حوزه خانوادگی و محلی باید در سطح ملی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

فعال نمودن مشارکت‌های مردمی و جلب کمک‌های ایشان از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی از کانال رسانه‌های جمعی و حتی کانال‌های مجازی بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه پته‌دوزی برای بسیاری از مردم شناخته شده نیست و کسانی که برای گردش و دیدار از کرمان به این شهر می‌آیند هیچ شناختی از این هنر ندارند و در بسیاری موارد حتی اسم پته و پته‌دوزی هم به گوششان نخورده است (مصاحبه با بانوان پته دوز).

۶- فعال نمودن حوزه‌های مددکاری اجتماعی، پرستاری و طب سالمندی

بسیاری از دانشوران بومی کرمان سالمند هستند. برای یک سالمندی سالم و رسیدن به این مرحله تحت معیارهای صحیح لازم است که حوزه‌های مددکاری اجتماعی، پرستاری و طب سالمندی بسیار فعال باشند و به خانواده‌ها و مراقبین دانشوران سالمند آموزش‌های لازم را ارائه نمایند. همچنین به لحاظ روانشناسی نکات مهم در حفاظت بهینه از سالمندان را در نظر بگیرند تا اصل تکریم و احترام بدانان به‌صورت هر چه بهتر انجام پذیرد.

نتیجه‌گیری

گنجینه‌ها و نادره‌کاران زنده بشری و حاملان میراث فرهنگی در کرمان در اکثر موارد سالمندانی هستند که به‌عنوان حافظه‌های فرهنگی و تاریخی مورد ارجاع پژوهشگران جهت ثبت و ضبط میراث فرهنگی در میدان‌های پژوهش قرار می‌گیرند. آن‌ها میراث داران و حافظان شاهکارهای نبوغ و خلاقیت‌های انسانی، انتقال‌دهندگان سنت‌ها، تاریخ فرهنگی و ارزش‌های جهانی در تبادل میان نسل‌ها هستند. آن‌ها هویت فرهنگی ملت‌ها و جوامع را

تقویت می‌نمایند. نقش آنها در استفاده و کاربرد مهارت‌ها و دانش فنی و اجرای آن به‌عنوان شاهدان یگانه سنت‌های فرهنگی، واجد ارزش فراوان و اهمال در حفاظت و حمایت از ایشان به‌عنوان حافظان بی‌بدیل سنت‌ها، میراث شفاهی و ناملموس نابخشودنی است.

در اثر فرایند تغییرات و دگرگونی‌های سریع و تغییرات فرهنگی نقش ایشان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی ناملموس، منابع الهام مبادله فرهنگی و رابط میان نسل‌ها در این خصوص خدشه‌دار گشته و با از میان رفتن ایشان، گنجینه‌های فرهنگی نیز به خاک سپرده می‌شوند. این پژوهش با عنایت به خطیر بودن موضوع، به بحث اتخاذ فوری راهبردهای مؤثر برای این موارد فرهنگی در خطر می‌پردازد.

در خصوص گنجینه‌های زنده بشری در کرمان، آنچه از این پژوهش برآمد، لزوم توجه جدی به امر استادکاران و حاملان کهنسال میراث فرهنگی در این استان و شهر کرمان است. عدم وجود فهرستی جامع از گنجینه‌های بشری این استان یکی از خلأهای بزرگ در راه صیانت از ایشان است. تهیه فهرست در گام اول نیازمند تعیین شاخصه‌های قوی برای تشخیص درست و بهینه استادکاران بومی است که فهرستی جامع و مانع از ایشان تهیه شود. در مواردی نیز دیده شده که برای تقدیر و ارج نهادن به استادان حرف بومی طی مراسمی در حضور ارباب جراید، کاشی مزین به نام ایشان بر سر در خانه‌هایشان نصب گردیده است، هرچند این اقدام در نوع خود اقدام پسندیده‌ای است ولی گاهی سلیقه‌ای عمل شده است که خود باعث اعتراض‌هایی هم نسبت به انتخاب‌ها گردیده است. بنا بر آنچه در سطور فوق اشاره گردید، نیازها و مسائل عاجل ایشان، تأمین آنها در کنار شناسایی و تهیه فهرست‌های جامع از استادکاران بومی کهنسال از اولویت‌های مهم این امر است.

تصاویر^۱



عکس ۱- آقای سعید روستا در هنگام روگیری^۲ قالی. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)

۱- در تهیه تصاویر از همکاری سرکار خانم اعظم موسوی همکار و محقق ارزنده پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و سرکار خانم حق‌دوست، همکار عزیز دفتر ثبت آثار وزارت میراث فرهنگی و گردشگری بهره گرفته شده است. سپاس قلبی خود را نثار این دانشوران گرامی می‌نماید. تصاویر تقدیر از اساتید و دانشوران بومی کرمان در دیدار با مسئولان میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمان برگرفته از سایت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان است.

۲- به عمل پرداخت فرش روگیری می‌گویند. در طی این عمل که به دلیل اهمیت و ظرافت با دست و با کمک یک قیچی بزرگ انجام می‌گیرد، پرزهای فرش کوتاه می‌شود. اگر پرزهای فرش خیلی بلند باشد نقشه فرش محو می‌شود و به خوبی تشخیص داده نمی‌شود. اگر پرزهای فرش بیش از اندازه کوتاه شوند، رج‌های گره‌زنی دیده می‌شود و به زیبایی فرش لطمه جدی وارد می‌کند و از عمر آن می‌کاهد. استاد روگیری و پرداخت فرش دارای تبحر بسیار است، کوچک‌ترین اشتباه باعث به هدر رفتن زحمات بافنده می‌شود.



عکس ۲- استاد مسگری در هنگام کار. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۳- خانم‌ها فاطمه ایزدی و زهرا میرزایی استادان بافنده قالی.

(اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۴- آقای عاطفی فر استاد طراحی نقشه فرش. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۵- کارگاه رفو و پرداخت فرش. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۶- شیوه کار در هنگام رفوی فرش. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



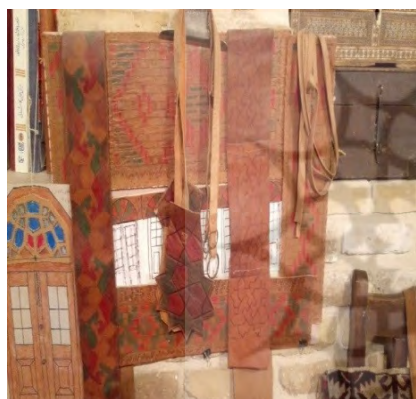
عکس ۷- آقای عبدالهادی استاد بافت فرش. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۸- نمونه‌ای از کار استاد عبدالهادی، استاد فرش. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس ۹- آقای اسلام‌پناه استاد صحافی کتاب و هنر چرم در محل کار خود. (اعظم موسوی. ۱۳۹۸. کرمان)



عکس‌های ۱۰- نمونه‌هایی از هنر استاد اسلام‌پناه در زمینه صحافی کتاب و هنر چرم. (آرشیو دفتر ثبت آثار وزارت میراث فرهنگی و گردشگری. ۱۴۰۰. تهران)



عکس ۱۱- استاد محمدحسین اسلام‌پناه، در مراسم تقدیر از سوی مدیران میراث فرهنگی به‌عنوان گنجینه زنده بشری استان کرمان. (برگرفته از آرشیو تصاویر سایت میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمان. ۱۳۹۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس‌های ۱۲- آقای اشرف زاده استاد هنر مسگری در کارگاه خود و در دیدار با مسئولان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی کرمان. (برگرفته از آرشیو تصاویر سایت میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمان) ۱۳۹۹



عکس ۱۳- آقای شاهمرادی استاد طراحی کاشی سنتی (سمت راست) در دیدار با مسئولان میراث فرهنگی و گردشگری کرمان. (برگرفته از آرشیو تصاویر سایت میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمان. ۱۳۹۹)



عکس ۱۴- خانم آرام، استاد پته‌دوزی در دیدار با مسئولان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان کرمان. (برگرفته از آرشیو تصاویر سایت میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمان ۱۳۹۹)

حاملان میراث فرهنگی کرمان

- ۱- خانم نصرت عبدالرحمانی (آرام). استاد پته‌دوزی
 - ۲- خانم طاهره ایران‌منش استاد پته‌دوزی
 - ۳- خانم صدیقه ایران‌منش. استاد پته‌دوزی
 - ۴- آقای حسن اشرف زاده. استاد هنر مسگری.
 - ۵- آقای محمد شاهمرادی. استاد طراحی کاشی سنتی
 - ۶- آقای حسین اسلام‌پناه. استاد صحافی کتاب و هنر چرم
 - ۷- خانم فاطمه ایزدی. استاد بافندگی فرش
 - ۸- آقای عاطفی فر استاد طراحی فرش
 - ۹- آقای ابوالهادی استاد بافندگی فرش
 - ۱۰- آقای سعید روستا استاد روگیر فرش
 - ۱۱- هنرمندان بافنده فرش شرکت فرش کرمان
- لازم به ذکر است نظرات و دیدگاه‌های مدیران میراث فرهنگی در خصوص حاملان میراث فرهنگی در متن مقاله منعکس گردیده است.

منابع

- آل میشارا، برایان و رای‌دال، روبرت. (۱۳۶۷)، روان‌شناسی پیری، ترجمه: حمزه گنجی و الما داودیان، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بابائی، مهرزاد. (۱۳۸۶)، "مشکلات اجتماعی خانواده‌های مراقبت‌کننده از سالمند ناتوان در شهر کرج"، سالمند، سال دوم، شماره ۳: ۱۷۷-۱۸۱.
- پور جعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا و احمدی، فریال. (۱۳۸۹)، "ارائه انگاره‌های محیطی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز"، سالمند (مجله سالمندی ایران)، سال پنجم، شماره ۱۵: ۳۴-۲۲.
- حسام زاده، علی. (۱۳۸۳)، مقایسه کیفیت زندگی سالمندان مقیم خانواده با سالمندان مقیم سرای سالمندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
- دستورالعمل معرفی، ثبت و حمایت از گنجینه‌های زنده بشری و پیشکسوتان میراث فرهنگی ناملموس، (۱۴۰۰)، تهران: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی: ۱۱-۱.
- رضاییان، علی. (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت.
- سام آرام، عزت‌الله و احمدی بنی، زیبا. (۱۳۸۶)، "بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت سالمندان در خانواده"، مجله سالمند، دوره ۲، شماره ۲: ۲۷۹-۲۶۹.
- علیخانی، ویدا. (۱۳۸۱)، پیری از دیدگاه‌های مختلف، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳)، "سخن سردبیر"، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱، شماره ۱: ۱-۱۹.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۴)، "مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی: نان شب مردم‌نگاران ایران"، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱، شماره ۲: ۱-۴۹.
- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۹۴)، "بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن"، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱، شماره ۲: ۷۹-۵۰.

- ماده ۱۵ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس. (۱۳۸۴)، قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجلس شورا: ۷.
- ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس. (۱۳۸۴)، قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجلس شورا: ۲.
- مجیدی خامنه، فریده. (۱۴۰۰)، اهمیت و راهبردهای حفظ میراث فرهنگی (مطالعه موردی: آسیب‌شناسی سالمندان به‌عنوان حاملان میراث فرهنگی در شهر کرمان)، گزارش پژوهش پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران: آرشپو پژوهشکده مردم‌شناسی.
- محمدی شاه‌بلاغی، فرحناز. (۱۳۸۵)، بررسی خود کارآمدی و فشار مراقبتی مراقبین سالمندان مبتلا به آلزایمر مقیم در منزل شهر تهران در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴، طرح‌های پایان‌یافته سال ۱۳۸۵، تهران: معاونت تحقیقات و فن آوری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- محمدی، فرحناز؛ دباغی، فاطمه و یادآور نیک‌روش، منصوره. (۱۳۸۶)، "عوامل تسهیلگر و بازدارنده مراقبت خانوادگی از سالمندان آسیب‌پذیر در منزل: تجربه زنان مراقب"، سالمند، سال دوم شماره ششم: ۴۴۵-۴۵۳.
- نیازی، محسن؛ بابایی فرد، اسدالله و زمانی، رؤیا. (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی سالمندی، کاشان: سخنوران.
- Baumann, Max Peter. (1991). *Music in the Dialogue of Cultures: Traditional Music and Cultural Policy*. Wilhelmshaven: F. Noetzel.
- Lupu, Nicolae. Tănase, Mihail Ovidiu and Petronela Tudorach. (2016). QUO Contemporary Approaches and Challenges of Tourism Sustainability QUO VADIS " Living Human Treasures"? *Amfiteatru Econom*,18(10),757-766.
- <https://miras.kr.ir/posts/gallery/>
- <https://www.mcth.ir/news/>
- <https://www.irna.ir/news/83377570>
- <https://www.isna.ir/news/>

استناد به این مقاله: مجیدی خامنه، فریده. (۱۴۰۰). راهبردهای حفاظت از فن آوران بومی (گنجینه‌های زنده بشری). مطالعه موردی: کرمان. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۸(۱۶)، ۱۷۵-۲۱۵.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.